

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## نحوه تأثیرگذاری رویدادهای میهن عزیزما بر روندهای کلیدی منطقی قرائت‌هایی منحصر بفرد و ویژه‌ای در مورد شناخت حقیقت‌های موجود تلاش‌ها بمنظور دستیابی به کلید حل و فصل قضایای وضعیت کنونی

نیرویی که گذشته خود را نشناسد و نتواند آن را توضیح دهد، آینده ندارد  
طوق لعنت شکست و انحطاط سیاسی شب و روز در هوأ چرخ می‌زند  
نکات ضعف بازیگران خارجی در چه نهفته می‌باشد؟  
عوامل ذلت و فرومایگی هنوز قوی است

زمانی که مسؤلیت بین المللی یک کشور محرز می‌گردد، آن کشور مکلف است از کشور زیان دیده جبران خسارت نماید. در واقع می‌توان چنین گفت که جبران خسارت یکی از آثار مسؤلیت بین المللی کشورها بشمار می‌رود. برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی، بویژه در کشورهای در حال توسعه، به میزان تعامل اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی بستگی داشته و متأثر از فرآیند پدیده جهانی شدن اقتصاد است. پدیده جهانی شدن نیز تاکنون نشان داده است که اقتصاد ملی کشورها، تحت تأثیر جدی این پدیده قرار دارند. جهان امروز با وجود وابستگیهای متقابل، بر رشد و توسعه اقتصادی در سطح ملی، بدون تعامل فعال با اقتصاد جهانی دچار لنگش خواهد گردید. بر بنیاد منطق جهانی شدن، دولت‌ها بایستی نسبت به کوچک سازی خود و واگذاری امور تصدی‌گری به بخش خصوصی و اصولن ایجاد و گسترش فضای رقابتی اقدام نمایند. تجربه کشورهای مختلف از جمله کشورهای شرق آسیا نشان‌دهنده این امر است که با بکارگیری سیاست‌های برون‌نگر همراه با سیاستهای مربوط به توسعه منابع انسانی و سیاست‌های مؤثر کلان اقتصادی بمنظور ایجاد ثبات، توانستند به رشد بالایی برسند. بنابراین تأثیر مثبت سیاست‌های باز اقتصادی و ادغام کشورها با اقتصاد جهانی بر روی رشد اقتصادی کشور به تجربه باثبات رسیده است. سؤال مورد نظر در نیشته حاضر اینست که آیا کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند سبب ساز نزدیکی و ادغام بیشتر کشورها گردد یا خیر؟ معروضات مورد نظر اینست که با بکارگیری بیشتر از فناوری‌های متقابل توسط کشورهای در حال توسعه، این کشورها میتوانند روند یکپارچگی اقتصادی را افزایش دهند. چه، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند سبب تقویت روند یکپارچگی اقتصادی کشورها گردد. فناوری اطلاعات و ارتباطات با کاهش موانع تجاری میان کشورها، هزینه‌های مبادلات را کاهش داده و سبب تقویت یکپارچگی اقتصادی می‌گردد.

در سرآغاز بحث حاضر، قابل یاددہانی پنداشته می‌شود که تصرف قدرت توسط "طالب"ها در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی و همچنان درگیری‌های مسلحانه در اکرانین، بخودی خود و بنحوی از انحاء، از مؤثریت لازم و عناصر و عواملی از تأثیرگذاری معینی بر روند‌های کلیدی در خاورمیانه برخوردار بودند. در نیشته حاضر، نقش بازیگران منطقی، تأثیر رویدادهای کشور عزیزما بر بحران مهاجرت در خاورمیانه، تهدیدهای ناشی از جنبش‌های اسلام‌گرای رادیکال و همچنین معضل و چگونگی امنیت غذایی کشورهای منطقه مورد تحلیل و بررسی‌های همه‌جانبه قرار داده میشود. در نیشته کنونی و در چارچوب مسأله گفته آمده، پنج گرایش اثر پذیر از رویدادهای کشور عزیزما افغانستان مطرح بحث قرار داده شده و بشکل کلی خلاصه گردیده است. همچنان سعی بعمل آمده بمنظور موشگافی و تجزیه و تحلیل مبتنی بر روایات و رویدادهای کشور عزیزما افغانستان و چگونگی مؤثریت رخدادهای اکرانین که روزتا روز ابعاد گسترده تری بخود اختیار می‌نماید، مؤثریت و تأثیرگذاری حوادث و اتفاقات یادشده بویژه بر سیر حوادث و بویژه بر روند‌های کلیدی منطقی در خاورمیانه در اولویت قرار داده شده و در کنار آن، این پرسش با تمام اهمیت آن در محافل صلح طلب و سازمان‌های دفاع از حقوق بشری مطرح بحث قرار دارد که آیا جامعه جهانی در صدد انجام اقدام قاطع در مورد مصمم بوده و چگونه و با استفاده و بکارگیری از کدام راه‌ها و وسایلی بمنظور ارائه کمک بخاطر دفاع از اصل صلحجو

یانه و بشردو ستانه درمورد تصمیم خواهد گرفت، جای سوال دارد. درلابلای نبشته حاضر، درچارچوب این کار، پنج گرایش اثرپذیرازرویدادهای کشور عزیزما افغانستان درنظرگرفته شده است:

- بهینه سازی استفاده ایالات متحده ازمنابع خاورمیانه؛
- استقرار روابط ومناسبات نمادین میان بازیگران کلیدی منطقی؛
- دگرگونی عناصر فردی روابط منطقی؛
- تشدید بحران بشری؛
- وسعت روزافزون خطرات بنیادگرایی وگسترش تهدیدهای تروریستی.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که نبشته حاضررا می توان بمثابة تلاشی بمنظور تجزیه و تحلیل رویدادهای کشور عزیزما افغانستان و بررسی اثربخشی وتأثیرگذاری رخدادهای اکرانین برروندهای کلیدی منطقی در خاورمیانه به حساب آورد. درشرایط ووضعیتهای نه چندان مطمئن امنیتی درداخل قلمروکشور و همچنان تداوم درگیری های مسلحانه دراکرانین که روزتاروزابعاد گسترده تری بخوداختیارمی نماید، درشرایط وموقعیتی که مؤثریت وتأثیرگذاری حوادث واتفاقات یادشده بر چگونگی وضعیت در شرق میانه دراولویت قرار داده شده واین پرسش با تمام اهمیت آن مورد بحث قراردارد که جامعه جهانی چگونه و با استفاده ازچه وسایلی می تواند به منطقه یادشده کمک نماید. همچنان در مجامع مختلف منطقی و بین المللی این پرسش مطرح گردیده کآیا "طالب" ها در مجموع، در مورد مواجهه با خطرات و تهدید های نظامی متحول گردیده اند ویا خیر؟

در مورد "جبهه مقاومت ملی افغانستان" کاز دوسال پائینسوعلیه "طالب" ها جنگهای چریکی را براه انداخته، این مسأله قابل یاددهانی پنداشته میشود که ضد ونقیض گویی های سلیقوی موجود درجبهه یادشده وارد مرحله بحران داخلی گردیده که عمدتن ناشی از نارضایتی های انباشته شده از نوع ستراتیژی مدیریتی رهبران احمد مسعود محسو ب می گردد. همچنان نگرانی هایی درمورد احتمال انشعاب و چند دستگی در رأس جبهه یاد شده موجود می باشد که درپس زمینه چنین وضعیتی، پوتانسیل درگیری های جدی درمناسبات دوجانبه کابل واسلام آباد نیز شکل خواهد گرفت. در صورت تشنج وضعیت درمناسبات و روابط دوجانبه که درحال شکل گیری می باشد، زمامداران پاکستانی، کابل را به پناه دادن اعضای گروه تحریک "طالب" های پاکستانی متهم نموده و ادعا می ورزند که ستیزه جویان تحریک یادشده، بویژه در امتداد دو سال پسین، بگونه قابل توجهی بانجام حملات تروریستی در اراضی متعلق به پاکستان مبادرت ورزیده اند که در نتیجه، نظامیان پاکستانی، کابل را بانجام عملیات انتقامجویانه وگلوله باری هایی از جانب اسلام آباد تهدید نمودند.

اخیرن، بویژه پس از فراخواندن نظامیان ایالات متحده از اراضی متعلق بکشورما، دست اندرکاران امور و کارشناسان پرسشی را باین شرح مطرح می نمایند که پس از فروپاشی تماشایی واشنگتن در افغانستان، سیر حوادث بکجا خواهد انجامید؟

وضعیت پیش آمده درکشور عزیزما، در واقعیت امر، مظهر آشکاری از بیهودگی تحمیل طرح های بیگانه بر دیگران و بمثابة تلاش بمنظور "دموکراتیزه کردن" جوامع آسیایی پنداشته می شود. واقعیت یادشده بمفهوم وسیع کلمه، نشا ندهنده ناهماهنگی هایی در سطح بین المللی بشمار می آید. افغانستان نه تنها در آسیا، بلکه در مقیاس بین المللی به مثابه فقیرترین کشورها بحساب می آید. مشکل و معضل میهن عزیزما با طیف وسیع و گسترده ای از مشکلات و معضلات امنیتی و توسعهی مربوط می باشد که نه تنها در داخل کشور و نه تنها بر اوضاع سیاسی - اجتماعی آن، بلکه بر چگونگی وضعیت و حال و احوال کشورهای همجوارما نیز اثربخش وتأثیرگذار پنداشته میشود. معضل کشور ما دربرگیرنده ابعاد متعدد فرهنگی - اجتماعی وتاریخی وشامل بخش های اجتماعی - اقتصادی، جمعیتی، سیاسی، مذهبی وواقعیت های ژئوپولیتیکی وغیره می باشد که در ارتباط تنگاتنگ باهم بوده و واقعیت های پویایی توسعه مستقل را درخودنهان دارد. در چنین وضعیتی، حتا با درنظرگرفتن تأکید جامعه متخصص بر سناریوهای منفی توسعه وانکشاف موقعیت بین المللی، بگونه بی تفاوتی از کنار آنهاهم رد شدن وعدم عطف توجه لازم به پیامدهای منفی آن دور از انصاف پنداشته می شود.

عده ای هم چنین می پندارند که فاکتور موجودیت و حضور ایالات متحده در شرق میانه در شرایط و وضعیت کاملن جدیدی مطرح بحث می باشد که در نتیجه بمنظور تعریف ویژگی سیاست های واشنگتن در منطقه، اصطلاح "بهینه

سازی "بمنظورتوجیه واژه "مراقبت" بکارگرفته می شود. بگونه مشخص بایست اظهار گردد که مطالب یادشده به مفهوم یک کُل، تعریف واضحی از سیاست های واشنگتن درقبال منطقه محسوب گردیده که بمنظور بهینه سازی استفاده ابزاری از معادن و منابع موجود در سرزمین کشورما، درصدد حفظ اثرگذاری و موثریت واشنگتن در منطقه، از آن استفاده بعمل آورد.

جالب تر از همه اینکه اصل بهینه سازی، در واقعیت امر مدتها قبل از فراخواندن نظامیان امریکایی از سرزمین کشورما عملن آغاز گردیده بود. چه در کنار همه، هدف حضور و موجودیت ایالات متحده، علاوه بر پاسخ به تهدیدات متحدین خاورمیانه، حفظ توانایی انجام عملیات دقیق بود. بنابراین، بمنظور دستیابی با اهداف مورد نظر، در امتداد ماه اسد سال ۱۴۰۰، سیا عملیاتی را توسط هواپیماهای بدون سرنشین بمنظور ازپا در آوردن ایمن اطواهری رهبر "القاعده" در کابل انجام داد.

این احتمال نیز موجود می باشد که فاکتور ایران بمتابۀ یکی از دلایل حضور ایالات متحده در منطقه پنداشته شود. سیا ست منطقوی جمهوری اسلامی ایران و بویژه معضل برنامه هستوی تهران، بمتابۀ یکی از جمله تهدیدهای درازمدت علیه منافع ایالات متحده و هم پیمانان و متحدین آن کشور در منطقه بشمار می آید. بر بنیاد اظهارات آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده، اگر مذاکرات در مورد تعیین شده به نتایج معناداری منتج نگردد، گزینه های دیگری در زمینه نیز روی میز قرار دارد.

در عین حال، نمی توان بصراحت گفت که ایالات متحده علاقمند "برجام" می باشد. واشنگتن در صدد امضای قرار دادی مطابق شرایط پیشنهادی اش می باشد کاز هیچ رهگذری برای تهران قابل قبول نمی باشد، چه، پس از کنار رفتن ایالات متحده از توافقات قبلی، تهران همچنان به غنی سازی و پیاده نمودن برنامه هستوی اش مبادرت ورزید. در عین حال، این دیدگاه نیز در ایران می تواند نهادینه گردد که کشور یادشده با وجود اجرای تحریمات وضع گردیده نیز می تواند بموجودیتش همچنان ادامه دهد.

اما این واقعیت را باید پذیرفت که خروج ایالات متحده و فراخواندن یکبارگی و عاجل نظامیان امریکایی از اراضی افغانستان، بخودی خود، به وجهه ایالات متحده در منطقه صدمه وارد نمود. با خروج ایالات متحده و فراخواندن نظا میان آن کشور از میهن ما و با قطع گردیدن کمک ها و معاونت های مادی و تخنیکی از جانب ایالات متحده، حاکمیت برهبری اشرف غنی و قوت های مسلح کشور که توسط ایالات متحده تمویل می گردیدند، به یکبارگی از هم فروپاشیدند. کارشناسان امور باین مفکوره اند کاصل چگونگی فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی و قلمرو مرز بوط بافغانستان، مسایل مغلق و پیچیده ای را در قبال آینده از کشورهای که همراه با ایالات متحده در کشورما به بمنظور تأمین امنیت شان در تداوم عملیات و اجرای برنامه های نظامی مبادرت ورزیدند، قرار می دهد.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که در پس زمینه بهینه سازی سیاست ایالات متحده در منطقه آسیای میانه، باصل همکاری و دوستی با چین و روسیه اهمیت قابل توجهی مبذول گردید. در زمینه یادشده، اما امکانات روسیه بدلیل درگیری های مسلحانه در اکرانین، بمقیاس قابل توجهی تقلیل حاصل نموده و اما چین از مشارکت و همکاری های نظامی - سیاسی در زمینه یادشده، خود را کنار کشید.

از یاد ما نرود که خدشه دار شدن وجهه ایالات متحده در شرق میانه، بویژه در شرایط و وضعیتی از قوه بفعل مبدل گردیده و ظاهر گردید که چین بوسعت اقدامات و تطبیق برنامه های اقتصادی اش سعی ورزیده و کشور نامبرده، در چنین وضعیتی هنوز اصلن تمایلی به قبولی و پذیرفتن تعهدات نظامی - سیاسی نشان نداده است.

شرق میانه بویژه از رهگذر تأمین انرژی برای چین، از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد، در امتداد سال ۱۳۹۹ خورشیدی در حدود ۵۳٫۸ درصد نفت مورد ضرورت چین از کشورهای خاورمیانه تأمین می گردید. در عین زمان، همکاری های نظامی تخنیکی میان سایر کشورهای منطقه وسعت می یابد. در امتداد زمانی اندکی پس از تصرف قدرت توسط "طالب" ها، میان برخی از کشورها از جمله میان روسیه و عربستان سعودی توافقاتی در مورد تحویلدهی هواپیماهای بدون سرنشین از جانب ایران بروسیه خیر داده شد.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که کشورهای اتحادیه اروپا، بگونه کلی علاقمند ثبات و استقرار وضعیت در شرق میانه می باشند. درگیری های مسلحانه در افغانستان، عراق، سوریه و لیبیا سبب سرزیر شدن سیل پناهنده ها و مهاجران شده و همچنان و بنحوی از انحاء سبب وسعت و گسترش اقدامات گروه های تروریستی خواهد گردید.

یکشنبه ۲۵ ماه سرطان سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۱۶ ماه جولای سال ۲۰۲۳ ترسایی